

۳- بازار جهانی گندم طی دوره ۱۹۷۶-۱۹۸۸

مقدمه :

oooooooooooo

یکی از اساسی ترین مشکلات اقتصادی کشورهای در حال توسعه، تهیه و تامین مواد غذایی مورد نیازشان می باشد. در این میان، غلات و علی الخصوص گندم از اهمیت خاصی برخوردار است تا حدی که بعضاً " از مواد غذایی (و بویژه گندم) بعنوان حربه ای مؤثرتر از سلاحهای پیچیده نیز استفاده گردیده است به همین دلیل گندم برای بسیاری از کشورها علاوه بر اهمیت غذایی، حائز اهمیت اقتصادی و سیاسی نیز می باشد. این محصول بعنوان یکی از منابع اصلی تامین انرژی مورد نیاز بدن انسان در کشورهای جهان سوم مطرح است. گندم یکی از مهمترین محصولات اساسی کشاورزی در کشورمان است که سهم قابل توجهی در تولید ناخالص داخلی و بخش کشاورزی را داراست و در حال حاضر نان حاصله از گندم (۱). بعنوان مهمترین منبع تامین انرژی مورد احتیاج اکثریت قریب به اتفاق افراد جامعه ما می باشد بطوری که هزینه مصرف گندم و مشتقات آن در کشور ما سهم نسبتاً قابل ملاحظه ای را در ارقام هزینه خوراکی اکثریت جامعه،

(۱): از گندم علاوه بر نان در صنایع غذایی و شیرینی پزی نظیر رشته و ماکارونی و همچنین در تهیه خوراک دام و طیور و... استفاده می شود.

خصوصاً " جوامع روستائی و عشایری بعهدہ دارد. (۱) از طرفی بانگرشی به میزان واردات گندم در دهه ۱۳۵۰ و نیمه اول دهه ۱۳۶۰ در می یابیم که همه ساله معادل میلیاردها ریال صرف خرید این کالای مهم و حیاتی از خارج می گردد که نه تنها از نظر اقتصادی و موازنه ارزی دارای اهمیت می باشد بلکه از نظر سیاسی و تسلط یافتن بیگانگان بر اقتصاد کشور نیز حائز اهمیت است. در سال ۱۳۶۵ حدود ۶۲ درصد از کل اراضی مزروعی کشور را مزارع گندم تشکیل می داده که قریب $\frac{2}{3}$ آن به صورت دیم و بیش از $\frac{1}{3}$ بقیه نیز تحت کشت آبی بوده است. از اهمیت گندم به همین میزان کفایت می شود که در قرآن مجید از پیش بینی قحطی هفت ساله توسط حضرت یوسف (ع) و ضرورت ذخیره سازی آن سخن به میان آمده است و در آیهای دیگر انفاق مال به کشت گندم (حصول هفتصد دانه از یکدانه) تشبیه شده است.

تولید:

oooooooooooo

طی دوره ۱۹۷۶ تا ۱۹۸۷ تولید جهانی گندم با متوسط رشد سالیانه ای برابر $\frac{1}{7}$ درصد، از ۴۲۵ میلیون تن به ۵۱۳ میلیون تن بالغ گردیده است (جدول ۱) و برابر آخرین پیش بینی ها (۲) تولید این محصول طی دوره زراعی (۳) $\frac{89}{1988}$ به ۵۰۲ میلیون تن خواهد شد

(۱): جهت کسب اطلاعات بیشتر مراجعه شود به موسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی، " بررسی مصرف گندم کشور طی سالهای ۶۴-۱۳۵۲ " ماهنامه بررسیهای بازرگانی شماره ۱۲ (اردیبهشت ۱۳۶۷)، صص ۳۰-۳۱.
 (۲): International Wheat Council, Market Report, September 1988.

(۳): دوره زراعی از ژوئیه تا ژوئن سال بعد منظور می باشد.

رسید. در خلال این مدت به استثنای سالهای ۱۹۷۷، ۱۹۷۹، ۱۹۸۵، ۱۹۸۷ و ۱۹۸۸ که تولید جهانی به ترتیب حدود ۹/۴، ۲/۵، ۲/۴ و ۲ درصد نسبت به سال ماقبل کاهش داشته است بطور کلی تولید جهانی گندم طی دوره مورد بررسی از رشد مثبتی برخوردار بوده است و در این میان فقط کاهش تولید در سالهای ۱۹۷۷ و ۱۹۸۸ بدنبال کاهش شدید سطح ذخائر جهانی و عدم تعادل عرضه و تقاضا از وضعیت بحرانی برخوردار بوده است تا حدی که پیش بینی می شود: کاهش اخیر تولید جهانی گندم در دوره ۱۹۸۸/۸۹ که عمده " به علت وقوع خشکسالی (۱) در آمریکای شمالی رخ داد، امنیت غذایی جهان را به مخاطره افکند و قیمت های جهانی گندم را در سال ۱۹۸۹ شدیداً افزایش دهد زیرا کاهش تولید در سال ۱۹۸۸ بدنبال کاهش تولید سال ۱۹۸۷ (که با کاهش شدید ذخائر (۲) جهانی توأم شد) بوقوع پیوست بنحوی که تولید جهانی گندم از نقطه اوج و بی سابقه ۵۳۷ میلیون تن در سال ۱۹۸۶ به ۵۱۳ میلیون تن در سال ۱۹۸۷ و ۵۰۲ میلیون تن در سال ۱۹۸۸ تنزل یافت و همزمان انبوه ذخائر جهانی از رقم بی سابقه ۱۵۹ میلیون تن ابتدائاً " به ۱۲۹ میلیون تن و سرانجام در سال ۱۹۸۸/۸۹ به پائین ترین حد خود در طول تاریخ تجارت غلات، یعنی به حد ۹۴ میلیون تن تنزل کرد (۳) و این رقم ۱۷/۳ درصد

(۱): ناگفته نماند که به علت کاهش بیش از حد قیمت های جهانی گندم خصوصاً " از سال ۱۹۸۴ به بعد و همچنین وجود ماژذخائر، کشورهای ما درکننده گندم در جهان از مدت ها قبل سیاست کاهش سطح زیرکشت را اتخاذ کرده بودند بنا براین زمینه بروز این بحران گه بسا خشکسالی تشدید شد از همان ابتدا بوجود آمده بود.

(۲): عمده این کاهش متعلق به پنج ما درکننده عمده گندم در جهان (ایالات متحده آمریکا، بازار مشترک اروپا، کانادا، استرالیا و آرژانتین) بوده است بگونه ای که سهم این کشورها از ذخائر جهانی از ۵۵ درصد در سال ۱۹۸۵/۸۶ به ۴۰ درصد در سال ۱۹۸۸/۸۹ تنزل یافته است.

(۳): International Wheat Council, Op.cit.

مصرف جهانی است که فقط تکافوی احتیاجات ۶۳ روز مصرف جهانی گندم را می‌نماید در حالی که میزان ذخائر در ابتدای دوره مسورد بررسی جوا بگوی ۱۱۶ روز و در سال ۱۹۸۶ جوا بگوی ۱۱۲ روز از مصرف جهانی بوده است. با توجه به مطالب فوق و دورنمای تداوم افزایش قیمت‌ها در سال ۱۹۸۹، کشورهای واردکننده گندم نظیر کشور مابایستی نسبت به تامین بموقع و کم هزینه‌ترین نیازهای وارداتی و افزایش سطح زیرکشت گندم بهاره اقدام نمایند تا از تهدیدات احتمالی این بحران در امان بمانند.

تولیدکنندگان عمده گندم در جهان به ترتیب عبارتند از اتحاد جماهیر شوروی، چین^(۱)، ایالات متحده آمریکا، بازار مشترک اروپا، هندوستان، کانادا، ترکیه، استرالیا، پاکستان و آرژانتین، اما از دیگر تولیدکنندگان کم‌اهمیت‌تر ولی قابل توجه گندم در جهان می‌توان به کشورهای ایران، مجارستان، لهستان، یوگسلاوی، مکزیک، برزیل، مراکش، افغانستان، عربستان و سوئد اشاره نمود. طی دوره ۱۹۷۶ تا ۱۹۸۷ سهم کشورهای اتحاد جماهیر شوروی، ایالات متحده آمریکا، کانادا، آرژانتین، استرالیا، ترکیه، سوئد، یوگسلاوی، مکزیک و مجارستان در تولید جهانی کاهش و سهم بازار مشترک اروپا^(۲)، چین، هندوستان، پاکستان، برزیل، ایران، لهستان و عربستان افزایش داشته است. البته بدیهی است که تغییرات سهم کشورهای نظیر: سوئد، مجارستان، لهستان،

(۱): دوکشور چین و اتحاد جماهیر شوروی بزرگترین مصرف‌کننده

و واردکننده گندم در جهان نیز می‌باشند.

(۲): مقداری از این افزایش سهم مربوط به ملحق شدن دوکشور اسپانیا

و پرتغال از سال ۱۹۸۶ به این بازار می‌باشد.

ایران ، مکزیک و ترکیه نسبت به تغییرات سهم تولیدکنندگان — نظیر چین ، هندوستان ، بازارمشترک اروپا ، اتحاد جماهیرشوروی ، ایالات متحده آمریکا (که جزو تولیدکنندگان عمده گندم می باشند) بسیار ناچیز بوده است . بطورکلی طی سالهای فوق الذکر رشد تولید در کشورهای بازارمشترک اروپا ۷۳ درصد ، استرالیا ۴/۲ درصد ، چین ۷۴/۲ درصد ، هندوستان ۵۸ درصد ، پاکستان ۴۰/۳ درصد ، مکزیک ۱۰ درصد ، برزیل ۹۲ درصد ، مجارستان ۱۰/۷ درصد ، لهستان ۳۷/۵ درصد ، ایران ۳۰/۷ درصد و عربستان بیش از ۱۰۰۰ درصد بوده است و درعین حال کاهش تولید در کشورهای اتحاد جماهیرشوروی به میزان ۱۴ درصد ، آرژانتین ۱۱/۸ درصد ، ایالات متحده آمریکا ۲ درصد ، یوگسلاوی ۱۱/۴ درصد و سوئد ۹/۳ درصد بوده است . در سال ۱۹۷۶ ، ده تولیدکننده عمده^(۱) گندم مجموعاً ۸۲/۷ درصد از گندم جهان را تولید نموده اند . این رقم در پایان دوره یعنی در سال ۱۹۸۷ نیز بدون هیچ گونه تغییری برای مجموع ده کشور فوق ثابت (۸۲/۷ درصد) باقی ماند . اما رتبه بندی تولید در این سال با کاهش قابل توجه در سهم اتحاد جماهیرشوروی و ایالات متحده آمریکا و همچنین افزایش سهم چین ، هندوستان ، پاکستان و بازارمشترک اروپا — دچار تغییراتی شد که سهم هریک از ده کشور عمده تولیدکننده در نمودار شماره ۱ مشخص شده است . در سال ۱۹۸۷ ، کشورهای ایسران ، مجارستان و لهستان هریک با حدود ۱/۵ درصد از تولید جهانی ، مشترکاً در مکان یازدهم قرار گرفته اند .

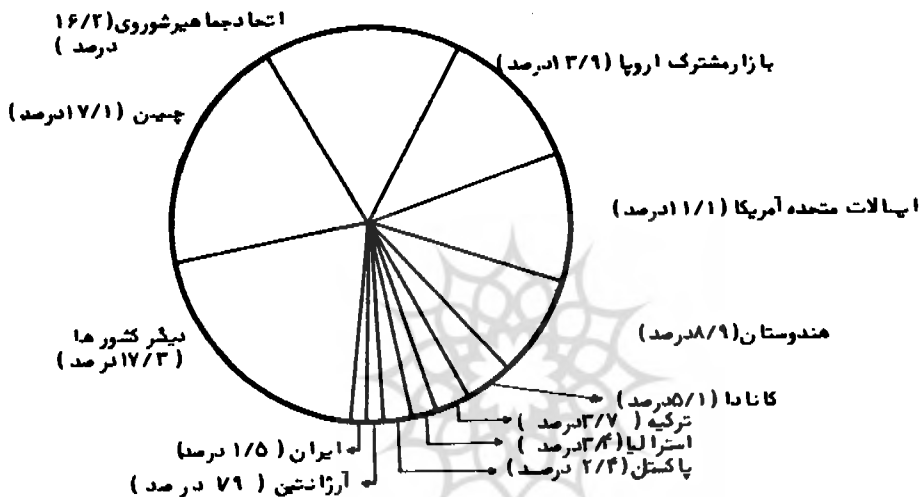
میانگین ده ساله تولید گندم در جهان نشان می دهد که —

(۱) : منظورده تولیدکننده عمده مذکور در نمودار شماره ۱ بجزایران میباشد .

دو قاره آسیا و آفریقا بترتیب بزرگترین و کوچکترین تولیدکننده
 گندم در بین قاره‌های جهان می‌باشند. بطور کلی قاره اروپا با
 ۱۱/۴ درصد از سطح زیرکشت جهانی، حدود ۲۱ درصد از تولید جهانی
 گندم (بالاترین بازده) و قاره آفریقا با ۴/۸ درصد از سطح
 زیرکشت جهانی، حدود ۲/۲ درصد از تولید جهانی (با کمترین
 بازده) را به خود اختصاص داده‌اند در حالی که قاره آسیا با
 ۳۴/۵ درصد از سطح زیرکشت جهانی، حدود ۳۱/۴ درصد از تولید را
 بخود اختصاص داده است. همچنین آمریکای شمالی و مرکزی با
 ۱۷/۵ درصد از سطح زیرکشت، ۱۹/۴ درصد از تولید جهانی و
 آمریکای جنوبی با ۴/۳ درصد از سطح زیرکشت، ۳/۳ درصد از تولید
 جهانی را برعهده داشته‌اند. سهم قاره اقیانوسیه که در حدود ۳
 درصد از تولید جهانی بوده است، تنها از ۴/۵ درصد از سطح
 زیرکشت گندم در جهان استحصال شده است و اتحاد جماهیر شوروی نیز
 بطور متوسط از حدود ۲۴ درصد از سطح زیرکشت گندم در جهان فقط
 ۱۹ درصد از تولید جهانی گندم را به خود اختصاص داده است.
 از طرفی کشورهای در حال توسعه طی این مدت از ۲۷/۱ درصد از سطح
 زیرکشت گندم در جهان فقط ۲۰/۶ درصد از تولید جهانی آن را برعهده
 داشته‌اند در حالی که کشورهای توسعه یافته، از حدود ۳۲/۷ درصد از
 سطح زیرکشت گندم در جهان ۳۹ درصد از تولید جهانی را برداشت
 نموده‌اند. سهم گروه کشورهای سوسیالیستی طی این مدت به لحاظ
 سطح زیرکشت ۴۰ درصد و از نظر تولید ۴۰/۲ درصد بوده است. در سال
 ۱۹۸۵ کشورهای توسعه یافته از هر هکتار، ۲۵۸۰ کیلوگرم گندم و
 کشورهای در حال توسعه ۱۶۷۰ کیلوگرم گندم برداشت نموده‌اند.

در حالی که راندمان تولید در کشورهای سوسیالیستی ۲۲۲۰ و متوسط جهانی آن ۲۱۹۰ کیلوگرم بوده است .

نمودار شماره ۱- سهم کشورهای عمده تولید کننده در تولید جهانی گندم در سال ۱۹۸۷



مأخذ: براساس ارقام جدول شماره ۱

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 رتال جامع علوم انسانی

اهمیت و سهم تولید گندم در تولید ناخالص ملی بعضی کشورهای عمده تولید کننده :

.....

با ملاحظه ستون آخر جدول شماره ۲ می توان استنباط نمود که بطور کلی سهم تولید گندم در تولید ناخالص ملی کشورهای پیشرفته صنعتی به علت سهم و نقش قابل ملاحظه دیگر تولیدات این کشورها در سایر بخشهای اقتصادی نسبت به کشورهای در حال توسعه کمتر می باشد. به عیسارت بهتر اگرچه کشورهای نظیر

جدول شماره ۲- سهم تولیدکننده در تولید ناخالص ملی (G.N.P) کشورهای عمده تولیدکننده

سال	کشور	تولیدکننده هزارتن	قیمت داخلی هر تن گندم	ارزش تولیدات گندم به میلیون کرون	سهم ارزش تولید گندم در G.N.P
۱۹۸۵	سوئد	۱۳۳۸	۱۴۱۰ کرون	۱۸۸۶/۵۸ کرون	۰/۲۲۴
۱۹۸۶	کانادا	۳۱۳۷۷	۱۷۰ دلار	۵۳۳۴ دلار	۱/۰۹
۱۹۸۴	مکزیک	۴۵۰۶	۱۴۵۰۰ پیزو	۶۵۳۳۷ پیزو	۰/۲۴۱
۱۹۸۶	ایالات متحده آمریکا	۵۶۷۹۳	۱۶۱ دلار	۹۱۴۳/۶۷ دلار	۰/۲۱۷
۱۹۸۳	آرژانتین	۱۳۰۰۰	۳/۰۶۰ پیزو	۳۹/۷۸ پیزو	۶/۴۳
۱۹۸۶	استرالیا	۱۶۱۲۸	۱۳۹/۸۳ دلار	۲۲۵۵/۲ دلار	۰/۹۳۸
۱۹۸۵	هندوستان	۴۴۰۶۹	۱۵۷۰ روپیه	۶۹۱۸۸/۳ روپیه	۲/۸۵
۱۹۸۵	ایران	۶۵۰۰	۴۰۰۰۰ ریال	۲۶۰,۰۰۰ ریال	۱/۷
۱۹۸۶	عربستان سعودی	۲۱۰۰	۲۰۰۰ ریال	۴۲۰۰ ریال	۱/۵
۱۹۸۶	پاکستان	۱۳۹۲۳	۲۰۰۰ روپیه	۲۷۸۴۶ روپیه	۴/۸
۱۹۸۳	ترکیه	۱۶۴۳۸	۵۲۰۰۰ لیر	۸۵۴۷۷۶ لیر	۷/۴۲
۱۹۸۴	اسپانیا	۶۰۵۲	۲۲۴۵۰ پزتا	۱۳۷۰۷۷/۷ پزتا	۰/۵۳۶
۱۹۸۴	مراکش	۱۹۸۹	۱۵۰۰ درهم	۲۹۸۳/۵ درهم	۲/۷۵

منبع: International Monetary Fund, International Financial Statistics, Yearbook 1987, (Washington, August 1987) and International Wheat Council, World Wheat Statistics, 1987, (London, 1987).

جدول شماره ۱ - تولید جهانی گندم در کشورهای مختلف طی سالهای ۱۹۷۶ تا ۱۹۸۷

واحد : هزار تن

سال	۱۹۷۶	۱۹۷۷	۱۹۷۸	۱۹۷۹	۱۹۸۰	۱۹۸۱	۱۹۸۲	۱۹۸۳	۱۹۸۴	۱۹۸۵	۱۹۸۶	۱۹۸۷
بازار مشترک اروپا (۱۹۷۱)	۲۱۴۶۶	۲۰۱۲۵	۵۰۳۰۲	۴۸۸۲۶	۵۵۰۸۹	۵۲۳۱۳	۵۱۹۵۱	۵۱۴۵۰	۵۱۶۶۱	۷۱۲۰۰	۷۲۱۰۰	۷۱۷۰۰
فرانسه	۱۶۱۲۵	۱۷۲۶۹	۲۱۹۷۰	۱۹۵۴۴	۲۲۶۴۳	۲۲۷۶۲	۲۵۴۵۸	۲۴۷۹۵	۲۳۹۵۸	۲۸۸۲۱	۲۶۵۰۰	۲۴۷۰۰
جمهوری فدرال آلمان	۶۷۰۲	۷۲۲۵	۸۱۱۸	۸۰۶۱	۸۱۵۶	۸۲۱۲	۸۹۸	۸۹۸	۱۰۲۳۳	۹۸۶۶	۱۰۴۰۰	۱۱۰۰۰
یونان	۲۴۵۱	۱۷۱۶	۲۷۰۵	۲۳۸۶	۲۹۵۱	۲۷۸۰	۳۰۳۹	۲۰۹۶	۲۳۰۸	۱۷۸۹	۲۳۸۹	—
ایتالیا	۹۱۰۷	۶۲۳۸	۹۱۹۱	۸۹۸۰	۹۱۵۰	۸۸۲۷	۸۱۶۸	۸۷۱۷	۱۰۰۰۵	۸۶۶۱	۹۱۷۰	۹۴۰۰
انگلستان	۴۴۷۰	۵۲۴۴	۶۶۱۲	۷۱۶۹	۸۲۷۰	۸۷۰۷	۱۰۳۱۷	۱۰۸۰۲	۱۴۹۵۷	۱۴۰۵۰	۱۴۸۷۰	۱۱۹۰۰
اسپانیا	۴۴۲۶	۳۹۶۳	۴۷۹۸	۴۱۰۱	۵۳۳۹	۴۴۰۸	۳۴۰۸	۲۴۶۸	۴۰۵۲	۵۳۲۶	۴۴۰۰	۶۱۰۰
سوئد	۱۷۶۵	۱۵۲۲	۱۲۹۰	۱۰۴۰	۱۱۹۳	۱۰۶۶	۱۴۹۱	۱۷۲۲	۱۷۷۶	۱۳۳۸	۱۷۳۰	۱۶۰۰
بولگاری	۵۹۸۲	۵۶۲۰	۵۳۵۵	۴۵۱۲	۵۶۹۱	۴۲۷۰	۵۲۱۸	۵۵۲۵	۵۵۲۵	۴۸۵۹	۴۷۷۹	۵۳۰۰
نماریس	۵۱۴۵	۵۳۱۹	۵۴۷۷	۴۷۰۹	۶۰۳۸	۴۶۱۴	۵۷۶۲	۵۹۸۵	۷۳۹۲	۴۵۷۳	۵۷۱۶	۵۷۰۰
لهستان	۵۷۴۵	۵۳۰۸	۶۰۳۹	۴۱۸۷	۴۱۷۵	۴۲۰۷	۴۴۷۶	۵۱۶۵	۶۰۱۰	۶۶۶۱	۷۵۰۲	۷۹۰۰
اتحاد جماهیر شوروی	۱۶۸۸۲	۱۴۱۶۱	۱۲۰۹۳۴	۹۰۳۰۷	۹۸۱۸۲	۸۱۰۰۰	۷۷۵۰۰	۶۸۶۰۰	۶۸۶۰۰	۷۸۱۰۰	۹۳۳۰۰	۸۳۳۰۰
کانادا	۲۳۵۸۷	۱۹۹۶۲	۲۱۱۶۵	۱۷۱۸۴	۱۹۱۵۸	۲۴۸۰۲	۲۶۷۳۷	۲۶۵۰۵	۳۱۹۹۹	۲۲۲۵۲	۳۱۳۷۷	۲۶۳۰۰
مکزیک	۲۳۶۳	۲۴۵۶	۲۷۸۵	۲۲۷۳	۲۷۸۵	۳۱۹۰	۴۴۷۰	۳۴۵۵	۴۴۹۵	۴۴۰۰	۴۷۶۹	۴۷۰۰
ایالات متحده آمریکا	۵۸۴۸۱	۵۵۶۷۱	۴۸۳۲۲	۵۱۰۰۰	۴۲۷۹۹	۷۵۸۰۶	۷۵۵۱۵	۶۵۸۵۷	۷۰۶۱۸	۶۶۰۰۰	۵۶۹۰۰	۵۷۳۰۰
آرژانتین	۱۱۰۰۰	۵۳۰۰	۸۱۰۰	۷۷۸۰	۸۳۰۰	۱۵۰۰۰	۱۳۰۰۰	۱۳۰۰۰	۱۳۰۰۰	۸۷۰۰	۹۰۰۰	۹۰۰۰
برزیل	۴۲۲۶	۴۰۷۰	۳۶۹۱	۲۸۶۰	۲۷۲۰	۲۲۰۰	۱۸۶۶	۲۱۱۳	۱۹۶۵	۲۳۳۰	۵۸۰۰	۶۲۰۰
افغانستان	۲۹۰۰	۳۶۵۰	۲۸۱۳	۲۶۶۳	۲۷۵۰	۲۸۵۰	۲۸۶۰	۲۹۰۰	۲۹۰۰	۳۸۵۰	۲۴۰۰	—
چین	۵۰۳۸۵	۴۱۰۷۵	۵۲۸۲۰	۴۲۷۳۰	۵۵۲۱۰	۵۱۶۶۰	۶۸۴۲۰	۸۱۳۹۰	۸۷۸۲۰	۸۵۵۰۰	۹۰۴۰۰	۸۷۸۰۰
هندوستان	۲۸۸۲۶	۲۹۰۱۰	۳۱۷۲۹	۳۵۵۰۸	۳۱۵۴۴	۳۶۳۱۳	۳۷۴۵۲	۴۲۷۱۳	۴۵۳۷۶	۴۴۲۲۹	۴۷۱۰۰	۴۵۶۰۰
ایران	۶۰۴۴	۵۵۰۰	۵۶۶۵	۵۸۰۰	۵۷۰۸	۶۶۰۰	۶۵۰۰	۶۵۰۰	۶۰۰۰	۶۵۰۷	۷۶۳۰	۷۱۰۰
عراق	۱۳۱۲	۶۹۶	۹۱۰	۱۴۹۲	۱۳۰۰	۱۰۰۰	۹۰۰	۳۰۰	۱۴۰۶	۱۱۰۰	—	—
پاکستان	۸۶۹۱	۹۱۴۴	۸۲۴۷	۹۹۵۰	۱۰۸۰۵	۱۱۲۷۲	۱۱۳۰۴	۱۲۴۱۴	۱۰۸۸۲	۱۱۷۰۳	۱۳۲۳۳	۱۲۲۰۰
عمارتان سعودی	۹۳	۱۲۵	۱۲۰	۱۵۰	۱۴۲	۱۸۷	۳۴۲	۴۰۶	۴۰۶	۱۷۰۰	۲۱۰۰	—
سوریه	۱۷۹۰	۱۲۱۷	۱۶۵۱	۱۳۲۰	۲۲۲۶	۲۰۸۶	۱۵۴۴	۱۶۱۲	۱۰۶۸	۱۷۰۰	۱۸۵۰	—
ترکیه	۱۶۰۰	۱۶۶۵	۱۶۷۰۰	۱۷۵۰۰	۱۶۴۰۰	۱۷۰۰۰	۱۷۵۰۰	۱۶۴۳۸	۱۷۲۳۵	۱۷۰۳۲	۱۶۰۰۰	۱۸۹۰۰
الجزایر	۱۶۳۰	۸۲۷	۱۰۸۲	۱۰۸۰	۱۵۰۰	۱۳۰۰	۱۰۰۰	۷۹۰	۱۲۰۰	۱۶۴۷	۱۶۰۰	۱۸۰۰
مراکش	۲۱۴۵	۱۲۸۸	۱۸۷۷	۱۷۹۶	۱۸۱۱	۸۹۲	۲۱۸۳	۱۹۷۰	۱۹۸۹	۲۴۵۹	۳۳۰۰	۲۷۰۰
مصر	۱۶۴۰	۱۶۹۷	۱۹۳۴	۱۸۵۶	۱۷۹۶	۱۹۳۶	۲۰۱۷	۱۹۹۶	۱۸۱۵	۱۸۷۳	۱۹۰۰	۲۴۰۰
نمیبس	۸۳۰	۵۷۵	۶۷۰	۶۸۰	۸۷۰	۹۴۴	۹۵۰	۷۱۱	۷۱۱	۱۳۸۰	۲۷۰	۱۴۰۰
استرالیا	۱۱۸۰۰	۹۳۷۰	۱۸۰۹	۱۶۱۸۸	۱۰۸۵۶	۱۶۳۶۰	۸۸۷۶	۲۱۹۰۳	۱۸۶۳۰	۱۶۱۶۷	۱۶۱۳۸	۱۴۳۰۰
نیوزیلند	۴۲۸۰۰	۳۸۶۶۰	۴۸۰۰۰	۴۲۸۸۰	۴۴۵۳۰	۴۵۴۴۰	۴۸۲۱۰	۴۹۲۳۰	۵۱۸۰۰	۵۰۵۰۰	۵۷۴۰۰	۵۱۳۴۰

منبع : International Wheat Council, World Wheat Statistics, 1987. (London, October 1987), 'Market Report Various Issues. (۱) : ارقام مربوط به بازار مشترک اروپا تا سال ۱۹۸۶/۸۷ متعلق اردن می باشد و ارسال ۱۹۸۵ تبعه سالهای اسپانیا و پرتغال متعلق از ۱۲ مینو می باشد و منظور شده است.

ایالات متحده آمریکا، کانادا، استرالیا و سوئد، جزء تولیدکنندگان و صادرکنندگان عمده گندم در جهان می باشند اما به علت سهم بسیار زیاد تولیدات سایر بخشهای اقتصادی نظیر: بخش صنعت و همچنین سهم قابل توجه دیگر تولیدات بخش کشت و ریزی، سهم گندم در این کشورها بین ۵/۲ تا ۱ درصد می باشد. (۱) اما دیگر تولیدکنندگان عمده و در حال توسعه گندم نظیر آرژانتین، هندوستان، ایران، پاکستان، ترکیه و مراکش به علت اهمیت بیشتر سهم و نقش تولیدات بخش کشت و ریزی (خصوصاً غلات و با لاص گندم) در تولید ناخالص ملی این کشورها طبعاً "تولیدکنندگانی در این کشورها سهم و نقش بیشتری را به خود اختصاص داده است."

عوامل عمده مؤثر بر تولید جهانی گندم:

.....

بطور کلی عوامل مؤثر بر تولید جهانی گندم را می توان به عوامل طبیعی و جغرافیائی، عوامل اقتصادی، عوامل سیاسی، فرهنگی و سایر عوامل تفکیک نمود (۲) اما با توجه به اینکه سهم نسبتاً مهمی از سطح زیرکشت گندم خصوصاً "در کشورهای در حال توسعه جهان به کشت

(۱): اگرچه سهم گندم در تولید ناخالص ملی این کشورها ظاهراً "اندک می باشد اما قابل ذکر است که علاوه بر اهمیت اقتصادی، تولید و تجارت گندم برای کشورهای سلطه گر حائز اهمیت سیاسی نیز هست.

(۲): سیاستهای تولید در کشورهای مختلف تولیدکننده نیز جزء یکی از عوامل مؤثر بر تولید جهانی می باشد که جهت کسب اطلاعات بیشتر در این زمینه مراجعه شود به: موسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی "گندم و سیاستهای تولیدی آن در کشورهای مختلف"، ماهنامه بررسیهای بازرگانی شماره ۷ (آذر ماه ۱۳۶۶)،

گندم دیم اختصاص دارد، عوامل طبیعی و شرایط جوی را شاید بتوان مهمترین عامل دانست زیرا وجود شرایط اقلیمی مناسب و بارندگی کافی نه تنها در افزایش راندمان اراضی دیم بلکه در افزایش عملکرد کشتهای آبی و خصوصاً "نیمه آبی تأثیر بسزائی خواهد داشت. همانگونه که سه تأسیسات عظیم آبیاری در دو کشور تولیدکننده عمده غلات نظیر (آمریکا و کانادا) نتوانست بر عوامل قهریه طبیعی و خشکسالی سال ۱۹۸۸ غلبه نماید و تولید این کشورها را بشدت تحت تأثیر قرار داد و وقوع سیل و توفان در کشور چین و بنگلادش در سال ۱۹۸۸ و وارد شدن خسارات کلی به محصولات این دو کشور را می توان نمونه های دیگر تأثیر عوامل طبیعی دانست. آفات و امراض نباتی نیز اگرچه از عوامل مهم کاهش تولید محسوب می شوند اما در بسیاری از نقاط با سموم دفع آفات نباتی، تحت کنترل درآمده اند. اما عواملی نظیر خشکسالی و سیل به لحاظ غیر قابل کنترل بودن سهم بسیار مهمتری در نوسانات تولید دارند. علاوه بر اینها، عامل حاصلخیزی خاک، میزان استفاده از کودهای شیمیائی، سطح مکانیزاسیون، نوع واریته گندم بذری، وجود تأسیسات و اموزیربنائی و سیستم های آبیاری به همراه کاربرد اصول علمی و روشهای نوین کشت و ریزی همگی از عوامل عمومی موثر در میزان عملکرد گندم در واحد سطح بشمار می روند. اما بازده محصول در واحد سطح، همراه با سیاستهای تولیدی متخذه در کشورهای مختلف و تغییرات سطح زیرکشت در این خصوص از عوامل اصلی تعیین میزان تولید خواهند بود. بعنوان مثال از ابتدای دهه ۱۹۵۰ تا نیمه اول دهه ۱۹۸۰ بطور متوسط تولید جهانی گندم بارشد سالانه ای معادل ۳/۵ درصد روبرو بوده است اما تا آغاز این دوره اکثر افزایش محصول، حاصل افزایش سطح زیرکشت

بوده است. لکن بعد از آن افزایش تولید عمده " در اثر افزایش عملکرد در واحد سطح بوده است. (۱) بطور کلی در دهه گذشته (دهه ۱۹۷۰) بیش از ۸۰ درصد از افزایش تولید جهانی به عملکرد در واحد سطح و فقط ۲۰ درصد آن به افزایش سطح زیر کشت مربوط بوده است.

افزایش اراضی آبی، کاربرد گونه‌های مقاوم و پرمحصول، استفاده مناسب از کودهای شیمیایی به همراه تخصیص اعتبارات کافی، توانسته است عملکرد محصول در بعضی از کشورهای در حال توسعه و پرجمعیتی نظیر چین و هندوستان و... را به مقدار زیادی افزایش دهد به حدی که هندوستان قادر است به حد کفایت گندم مصرفی خود را تهیه نماید.

در سال ۱۹۷۷ عملکرد گندم در دو کشور چین و هندوستان به ترتیب از ۱/۴۶ و ۱/۳۹ تن در هکتار به ۳ و ۲ تن در هکتار در سال ۱۹۸۶ افزایش یافته است همچنین در این دوره در اتحاد جماهیر شوروی از ۱/۵ — ۱/۹ تن و در بازار مشترک اروپا از حدود ۳/۵ به ۴/۵ تن در هر هکتار افزایش داشته است. طی همین مدت عملکرد تولید در آمریکا از ۲/۱ به ۲/۳ و در کانادا از ۱/۹ به ۲/۲ تن در هکتار ارتقاء یافته است. عملکرد گندم در ایران نیز بطور متوسط طی سالهای ۱۳۵۶ تا ۱۳۶۶ حدود یک تن در هکتار بوده است در حالی که این رقم در سال ۱۹۸۶ برای کشور ترکیه حدود دو تن، آرژانتین ۱/۸، مکزیک حدود چهار، مجارستان ۴/۴، سوئد و فرانسه ۵/۵ و انگلستان حدود هفت تن در هر هکتار، بوده است. عملکرد کشورهای عراق، الجزایر و تونس نیز کمتر از ۱ تن در هکتار بوده است

(۱) به علت نقش مهم تر عملکرد در واحد سطح، افزایش تولید علی‌رغم کاهش سطح زیر کشت نیز بعضاً " ادا شده است. بعنوان مثال برابر محاسبات دو سطر آخر جدول ۴، با وجود کاهش شاخص سطح زیر کشت از ۱۱۸ به ۱۱۴، تولید جهانی به علت افزایش شاخص عملکرد (از ۱۷۷ به ۲۰۵) حدود ۵۷ میلیون تن افزایش یافته است.

در حالی که عملکرد گندم در عربستان به دلیل پرداخت هزینه‌های هنگفت و حمایت بیش از حد تا ۴/۶ تن در هر هکتار گزارش شده است .

به نظر کارشناسان بین‌المللی، هر کشور در حال توسعه‌ای که میانگین عملکرد گندم دیم در هر هکتارش از یک تن و در اراضی آبی کمتر از دو تن باشد آن کشور در بکارگیری کلیه عوامل و ابزارهای تولید بطور دسته‌جمعی و هماهنگ، موفق نبوده است .

سطح زیرکشت جهانی گندم نیز طی سالهای ۱۹۶۵ تا ۱۹۸۴ بطور متوسط از رشد سالانه‌ای حدود ۷/۵ درصد برخوردار بوده است (۱) اما این رقم در سال ۱۹۸۷ تقریباً " به حد ۲۳ سال پیش - یعنی سال ۱۹۶۵ - تنزل کرد و به ۲۲ میلیون هکتار رسید در حالی که طی این مدت افزایش تولید اکثراً " ادامه داشته و تقریباً " دوبرابر شده است .

سهم پنج صا درکننده عمده گندم حدوداً " کمتر از $\frac{1}{3}$ سطح زیرکشت جهانی و بیش از $\frac{1}{3}$ تولید جهانی می‌باشد در حالی که صادرات این کشورها بیش از ۹۵ درصد از تجارت جهانی گندم را شامل می‌شود . بطور کلی نوسانات سطح زیرکشت و تولید در کشورهای صنعتی (خصوصاً " کشورهای صا درکننده گندم) بیشتر از عوامل اقتصادی و سیاستهای داخلی هدایت شده متأسفانه می‌باشد در حالی که نوسانات تولید در کشورهای در حال توسعه (علی‌رغم افزایش پی‌درپی در سطح زیرکشت) عمده " از شرایط جوی و سایر عوامل اقتصادی و سیاسی خارج از کنترل آنها متأسفانه بوده است اما اکثر کشورهای توسعه‌یافته علی‌الخصوص صا درکنندگان گندم بعضاً "

(۱) : سطح زیرکشت گندم در جهان در سال ۱۹۶۵ بالغ بر ۲۱۹ میلیون هکتار و طی سالهای ۱۹۸۵ و ۱۹۸۴ نیز به ترتیب ۲۳۷ و ۲۳۲ میلیون هکتار بوده است .

توانسته‌اند علی‌رغم کاهش سطح زیرکشت، روند صعودی تولید خود را نیز حفظ نمایند البته در عین حال نیازی به ذکر توانا نایهای این کشورها در جهت افزایش سریع و بموقع سطح زیرکشت و نتیجتاً " افزایش تولید گندم از طریق تغییر الگوی کشت خصوصاً " در موقع کاهش سطح ذخائر نمی‌باشد زیرا دارا بودن مکانیزم‌های دقیق و پیچیده حمایتی و دورنگه داشتن درآمدکشاورزان از نوسانات قیمت‌های بین‌المللی و وجود سایر مکانیزم‌های کنترل‌کننده این انعطاف‌پذیری را برای آنها امکان پذیر ساخته است .

بنابراین عامل تعیین‌کننده نوسانات غیرارادی تولید جهانی را شاید بتوان در تغییرات میزان تولید کشورهای در حال توسعه از یک طرف و تغییر میزان تولید اتحاد جماهیر شوروی از سوی دیگر دانست زیرا بطور متوسط تغییرات میزان تولید در اتحاد جماهیر شوروی - در اثر عوامل مختلف - به‌بیش از بیست میلیون تن بالغ گردیده است که در بعضی اوقات حتی بیش از کل نوسانات تولید جهانی بوده است . از عوامل اقتصادی مؤثر بر تولید جهانی گندم نیز می‌توان به قیمت آن در بازارهای داخلی و بین‌المللی، میزان حمایت و سوبسید پرداختی به تولیدکنندگان، هزینه تولید داخلی با توجه به سیاستها و برنامه‌های مختلف در جهت توسعه صادرات یا جایگزینی واردات و در نتیجه کیفیت و کمیت عوامل تحدیدی و یا تشویقی در جهت افزایش یا کاهش سطح زیرکشت ، سطح ذخائر جهانی و داخلی گندم و سایر غلات جایگزین ، میزان تولید و سطح قیمت‌های سایر غلات جایگزین، سطح قیمت‌های تضمینی ، مداخله‌ای و حمایتی ، وضع حقوق و عوارض گمرکی و صادرات گندم و اعمال سوبسیدهای صادراتی اشاره کرد . البته

توانائی مالی کشورها و سایر عوامل سیاسی و اجتماعی نیز در این خصوص بی تأثیر نخواهند بود. بعنوان مثال قیمت‌های تضمینی در عربستان طی سال‌های ۱۹۸۰ تا ۱۹۸۴ باعث افزایش سطح زیرکشت گندم از ۶۷ به ۳۵۰ هزار هکتار و افزایش تولید از سطح بسیار ناازل ۱۴۲ هزار تن به حدود ۱/۳ میلیون تن^(۱) گردید. این سیاست تولید گندم در سال ۱۹۸۴ بیش از یک میلیارد دلار برای دولت عربستان هزینه در بر داشته است یگونه‌ای که علاوه بر مہیا بودن امکانات مالی، جنبه‌های سیاسی و تبلیغاتی نیز برای صرف‌چنین هزینه‌های هنگفت و غیراقتصادی جزء عواملی هستند که نظر کارشناسان را به خود معطوف داشته است.

این کشور با اعطای نهاده‌های کشا و رزی با قیمت‌های بشدت سوبسیده از یک طرف و اعطای وام‌های دولتی با بهره کم (که تولید را برای تولیدکنندگان کم‌سرمایه و حتی بدون سرمایه‌امکان پذیر نموده است) توانسته است از سال ۱۹۸۵ به جرگه صادرکنندگان گندم بپیوندد. قیمت‌های تضمینی گندم در این کشور حتی بیش از هشت برابر قیمت‌های جهانی آن بوده است به همین علت اکثر شرکت‌های کشت و صنعت و صاحبان پروژه‌های تولید لبنیات در این کشور زمین‌های خود را بجای تولید جو به کشت گندم اختصاص داده اند بطوری که این کشور هم اکنون از بزرگترین واردکنندگان جو در جهان می‌باشد اگرچه نیاز این کشور به واردات آرد خارجی نیز هنوز از بین نرفته است اما تأثیر مستقیم قیمت‌های تضمینی و حمایتی بر تولید گندم در سرمایه‌آبارات کافی و همچنین تأثیر غیرمستقیم آن بر سایر کشت‌های جایگزین قابل‌انکار نمی‌باشد.

(۱): برابر آخرین گزارشها تولید گندم این کشور در سال ۱۹۸۸ به سه میلیون تن بالغ گردیده که قسمت اعظم آن به بیش از ده کشور جهان صادر یا هدیه شده است.

جدول ۲- تغییرات سطح زیرکشت گندم به تفکیک کشورها و مناطق عمده
کشت در جهان از ۱۹۶۵ تا ۱۹۸۷
واحد - میلیون هکتار

کشور یا منطقه	پنج عماره کشته عمده گندم (۱)	اتحاد جماهیر شوروی	جمهوری خلق چین	سایر کشورهای در حال توسعه (جز چین و آرژانتین)	سایر نقاط جهان	جمع جهان	سال
							سال
	۶۱	۷۰	۲۷	۴۸	۱۳	۲۱۹	۱۹۶۵
	۶۰	۶۶	۲۶	۵۳	۱۴	۲۲۰	۱۹۶۹
	۴۹	۶۵	۲۶	۵۵	۱۴	۲۱۰	۱۹۷۰
	۷۱	۵۹	۲۸	۶۲	۱۴	۲۳۴	۱۹۷۶
	۷۲	۶۱	۲۹	۶۱	۱۳	۲۳۷	۱۹۸۰
	۷۵	۵۱	۳۰	۶۳	۱۴	۲۴۲	۱۹۸۴
	۶۵	۴۷	۳۰	۶۵	۱۳	۲۲۰	۱۹۸۷*

* غیر قطعی
(۱) کشورهای بازار مشترک اروپا، ایالات متحده آمریکا، کانادا، استرالیا و آرژانتین را شامل می شود که بازار مشترک اروپا مشتمل از ۱۲ عضو محاسبه شده است.

جدول شماره ۳- شاخص تغییرات سطح زیر کشته، عملکرد و تولید جهانی گندم طی یک دوره سی ساله

شرح - میانگین دوره	سطح زیر کشت (میلیون هکتار)	عملکرد محصول در هکتار (تن)	تولید (میلیون تن)	شاخص تغییرات ۱۹۵۴-۵۸ = ۱۰۰	
				سطح زیر کشت	عملکرد محصول در هکتار
۱۹۵۴ - ۵۸	۱۹۹/۶	۱/۱۱	۲۲۱/۲	۱۰۰	۱۰۰
۱۹۵۹ - ۶۳	۲۰۴/۳	۱/۱۹	۲۴۲/۳	۱۰۲	۱۰۷
۱۹۶۴ - ۶۸	۲۱۸/۸	۱/۲۴	۲۹۲/۳	۱۱۰	۱۲۱
۱۹۶۹ - ۷۳	۲۱۸/۱	۱/۵۷	۳۴۲/۵	۱۰۹	۱۴۲
۱۹۷۴ - ۷۸	۲۲۹/۶	۱/۷۳	۳۹۷/۱	۱۱۵	۱۵۶
۱۹۷۹ - ۸۳	۲۳۵/۳	۱/۹۶	۴۶۱/۳	۱۱۸	۱۷۷
۱۹۸۴ - ۸۷	۲۲۷/۸	۲/۲۷	۵۱۸/۲	۱۱۴	۲۰۵

مأخذ: The Economist Intelligence Unit, Wheat to 1991, Adapting to Over Supply, (London, E.I.U., Pub., 1986) and INC, Market Report, 1988 Issues,